



## نفوذ غرب و واکنش خاورمیانه

*Bernard Lewis, What Went Wrong? Western Impact and Middle East Response, Oxford & New York, Oxford University Press, 2002, 180 pp.*

### مقدمه

رویداد یازده سپتامبر، اهمیت راهبردی خاورمیانه را به عنوان قلب دنیای اسلام افزایش داد و آن را در مقام بین‌المللی‌ترین منطقه جهان به کانون توجه صاحب‌نظران و پژوهشگران تبدیل کرد. در این میان، تحقیقات و مطالعات پروفیسور برنارد لوئیس در حوزه خاورمیانه‌شناسی و روابط اسلام و غرب از جمله تأثیرگذارترین پژوهش‌ها در شکل‌گیری تصورات و تصمیمات غربیان و به ویژه سیاستمداران آمریکا در قبال دنیای اسلام و منطقه خاورمیانه بوده است. وی استاد مؤسسه مطالعات خاورمیانه در دانشگاه پریشتون آمریکا است و تاکنون کتاب‌ها و مقالات بسیاری را در زمینه اسلام‌شناسی و مطالعات خاورمیانه به نگارش درآورده است که از آن جمله می‌توان به کتاب‌های «خاورمیانه و غرب»، «افکار، انسان و رخدادها در خاورمیانه» و «جهان اسلام» اشاره کرد.

کتاب «اشتباه در چه بود؟»، تأثیر غرب و واکنش خاورمیانه»، جدیدترین اثر لوئیس است که در زمینه مناسبات تاریخی اسلام و غرب و فراز و نشیب آن به رشته تحریر درآمده است. این کتاب اندکی پس از رویداد یازده سپتامبر به چاپ رسید و از این جهت توجه بسیاری را در دنیای غرب به خود معطوف ساخت.

## الف. معرفی کتاب

کتاب «اشتباه در چه بود؟»، تأثیر غرب و واکنش خاورمیانه، از یک مقدمه، هفت فصل و یک نتیجه‌گیری تشکیل شده است. عناوین فصول به ترتیب عبارتند از: درس‌های میدان جنگ، در جستجوی ثروت و قدرت، موانع فرهنگی و اجتماعی، مدرنیزاسیون و برابری اجتماعی، سکولاریسم و جامعه مدنی، زمان، فضا و مدرنیته و جنبه‌های تغییر فرهنگی.

در این کتاب، لوئیس به بررسی واکنش اضطراب‌آلود دنیای اسلام برای فهم چرایی تغییر در دنیای جدید می‌پردازد. به نظر وی، مسلمانان در تلاش برای پاسخ به این پرسش هستند که چگونه غرب گوی سبقت را از آنان ربود؛ شکوه و عظمت تمدن اسلامی را تحت الشعاع قرار داد و به گسترش دامنه تسلط و هیمنه خود پرداخت؟ لوئیس معتقد است که واکنش دنیای اسلام، واکنشی خشم‌آلود، بنیادگرایانه و همراه با حرکت‌های تروریستی بوده است و این واکنش‌ها، دنیای اسلام را که روزگاری سرآمد و پیشروی تمدن جهانی بود؛ بیش از پیش در برابر غرب، منفعل و جامانده ساخته است.

لوئیس در پاسخ به این سؤالات به این نکته نیز اشاره می‌کند که مسلمانان برای قرن‌ها و در همهٔ زمینه‌ها نسبت به غرب پیشرو بودند. آنها در صنعت، ادبیات، مبادلات تجاری و فرهنگی مقام اول را داشتند و با ترکیب دو تمدن ایران و یونان و اضافه کردن خلاقیت‌های خود به آن تمدن عظیم و شکوهمندی را به وجود آوردند. نویسنده با بیان این توضیحات، از دست دادن چنین تمدن شکوهمندی را موجب احساس سرافکندگی مسلمانان می‌داند. این که چه عواملی باعث رکود این تمدن بزرگ شد و یا این که اشکال کار از کجا بود؟ سؤالاتی است که مسلمانان برای آن پاسخی در خور توجه نیافته‌اند. برنارد لوئیس معتقد است که البته مسلمانان در علت‌یابی ناکامی‌ها و مشکلات خود بدون پاسخ هم نمانده‌اند، اما پاسخ آنان تک‌گزینه‌ای بوده است. آنان همهٔ مشکلات خود را ناشی از بیگانه و غیرمی‌دانند و همین نگاه تک بعدی است که باعث خشم مسلمانان شده و آنان را به حرکت‌های تروریستی علیه غرب وادار نموده است.

امروز برتری و سلطهٔ غرب در بسیاری از عرصه‌ها نمود دارد و غرب بر جنبه‌های مختلف زندگی مسلمانان، حتی زندگی خصوصی آنان نیز تسلط یافته است. این در حالی است که تمام

تلاش‌های مسلمانان فقط در سه حوزه سیاسی، نظامی و اقتصادی متمرکز شده است. به نظر لوئیس، تلاش مسلمانان به منظور توسعه سیاسی، جز فساد سیاسی و وابستگی فاحش نتیجه دیگری نداشته است. توسعه اقتصادی نیز به فقر و گسترش پدیده رانت‌خواری در منطقه خاورمیانه منجر شده است. در زمینه نظامی نیز خریدهای افسانه‌ای تسلیحات و در نتیجه آن فقر روزافزون کشورهای این منطقه، امری عادی تلقی می‌شود. برنارد لوئیس، این همه شکست را مایه شرمساری می‌داند و مسلمانان را در این زمینه به شدت محکوم می‌کند. وی معتقد است که اینها همه بلایی است که در اثر تبلی و مقصر تراشی مسلمانان بر سر آنان آمده است. روزگاری، مغول‌ها عامل اصلی تمام مشکلات مسلمانان بودند. زمانی، ناسیونالیسم ترکی سد راه پیشرفت عرب‌ها عنوان شد و با ورود کشورهای اروپایی به منطقه خاورمیانه سناریوی جدیدی برای مقصر تراشی طراحی شد. این بار استعمار انگلیس، روس و فرانسه عامل اصلی تمام مشکلات مسلمانان معرفی شدند. خروج استعمار و امپریالیسم از خاورمیانه، دولت‌های منطقه را برای پیدا کردن مقصری دیگر به تکاپو واداشت و امروز شخصیت‌های منفی سناریوی جدید، آمریکا و اسرائیل هستند. یهود مانع پیشرفت اعراب است و آمریکا به عنوان سردمدار غرب، عامل اصلی عقب‌ماندگی ایران محسوب می‌شود. برنارد لوئیس به این مسأله اشاره می‌کند که مقصر تراشی و هدایت نگاه‌ها به بیرون برای کوچک نشان دادن مشکلات عظیم داخلی در منطقه خاورمیانه به یک عادت تبدیل شده است. عادت‌ی که نویسنده از آن به عنوان یک صفت ناپسند اخلاقی یاد می‌کند.

در مبحث ریشه‌های عقب‌ماندگی مسلمانان، نویسنده عدم گرایش مسلمانان به سکولاریسم و همچنین عدم پذیرش سکولاریسم وارداتی مسیحی را به عنوان ریشه‌های عقب‌ماندگی مسلمانان معرفی می‌کند. برنارد لوئیس معتقد است که در غرب حوزه‌های سیاسی و دینی به طرز کاملاً محسوسی از یکدیگر جدا شده‌اند. در واقع هنر غرب در این است که از سیاسی شدن حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی جلوگیری کرده است. وی با این پیش فرض، کلید اصلی پیشرفت غرب را سکولاریسم می‌داند. به نظر لوئیس، مسلمانان اصیل به شدت عاشق مرگ هستند و کشته شدن در راه عقیده را یک افتخار می‌دانند. این بدان معناست که در خاورمیانه همه چیز در خدمت ایدئولوژی است، به نحوی که زندگی خصوصی افراد نیز

تحت‌الشعاع سیاست و اعتقاد سیاسی آنها قرار گرفته است. در خاورمیانه، دین به شدت سیاسی است؛ همان‌طور که سیاست نیز به شدت دینی است و تداخل عجیب این دو حوزه با یکدیگر مسلمانان را از قافله پیشرفت و توسعه عقب نگه داشته است.

در مبحث سکولاریسم مسیحی نیز این استدلال‌ها تکرار می‌شوند. به این معنا که به بیان لوئیس همان عاملی که بی‌توجهی به آن موجب عقب‌ماندگی مسلمانان شد، اهتمام ویژه به آن توسعه غرب را به دنبال داشت. بنابراین مباحث فصل قبل به نحوی دیگر در این فصل نیز تکرار می‌شوند و نتیجه همه آنها القای این باور است که سکولاریسم عامل پیشرفت فرهنگ و تمدن است.

دیگر مبحث مهم کتاب، جنسیت‌گرایی در اسلام است. نویسنده معتقد است که منزلت زنان عمیق‌ترین تفاوتی است که بین دو تمدن غرب و اسلام وجود دارد. وی بی‌توجهی به زنان را به دلیل جنسیت‌گرایی اسلام، یکی دیگر از دلایل عقب‌ماندگی مسلمانان می‌داند و معتقد است که همین امر باعث شده که جهان اسلام از نیمی از استعداد و انرژی انسانی خود محروم بماند و آموزش و تربیت نسل‌های آینده را به مادران بی‌سواد و ستم‌کشیده واگذار کند. حاصل چنین آموزشی به نظر نویسنده، رشد افراد مطیع و گستاخی است که با آزادی‌های مدنی به هیچ روی آشنا نیستند. پدیده چندزنی در جهان اسلام، عامل دیگری است که برنارد لوئیس از آن به عنوان عامل ضعف و مانع پیشرفت یاد می‌کند.

در قسمت نتیجه‌گیری، نویسنده ضمن جمع‌بندی مطالب کتاب، عامل اصلی عقب‌ماندگی مسلمانان را نادیده گرفتن مشکلات داخلی و بزرگ‌نمایی موانع بیرونی می‌داند. این مطلب به این معناست که مسلمانان بین پیشرفت غرب و عقب‌ماندگی خود یک رابطه معکوس برقرار کرده و پیشرفت غرب را عامل عقب‌ماندگی مسلمانان می‌دانند. با این توضیحات، برنارد لوئیس تئوری خود را به نام «بازی سرزنش دیگران» مطرح می‌کند و معتقد است که این تئوری مبنای جنبش‌های تروریستی است. ضمن این که «بازی سرزنش دیگران» نیز بر تئوری توطئه استوار شده است. نویسنده در پایان این چنین نتیجه می‌گیرد که به دلیل معادلاتی که ناشی از مشکلات عمیق روانی مسلمانان است؛ رفع اشکالات و اصلاح نابسامانی‌های منطقه خاورمیانه غیرممکن به نظر می‌رسد.

## ب. بررسی کتاب

اهمیت راهبردی کتاب به نقش بارز نویسنده آن در دستگاه فکری هیأت حاکمه ایالات متحده بازمی‌گردد. به واقع برنارد لوئیس گرچه یک اسلام‌شناس و مدرس قرآن در دانشگاه‌های آمریکاست؛ اما در سال‌های اخیر و به ویژه پس از ۱۱ سپتامبر به عنوان نظریه‌پرداز عمل‌گرا به مشاور عالی سیاست‌گذاران ارشد واشنگتن تبدیل شده است. وی در سال ۱۹۹۰ و در مقاله‌ای با عنوان ریشه‌های خشم مسلمانان که در نشریه آتلانتیک به چاپ رسید، برای نخستین بار کنش‌های بین‌دنیای اسلام و غرب را جنگ تمدن‌ها نامید. فرضیه مقاله مذکور این بود که رفتار دنیای غرب، احساسات و غرور مسلمانان را جریحه‌دار کرده و مسلمانان، غرب را عامل تخریب و ناکارایی تمدن خود می‌دانند. بر این اساس، احساسات مذکور می‌توانند مبنای عملیات خشونت‌آمیز بر ضد غرب باشند و در این صورت، تنها نومحافظه‌کاران قادر خواهند بود تا تمدن غرب را حفظ کنند. با وقوع رخداد یازده سپتامبر، مقاله لوئیس به نوعی پیش‌بینی این فاجعه قلمداد شد و وی به تدریج به یکی از تئوریسین‌های اصلی نومحافظه‌کاران آمریکایی مبدل گشت. لوئیس همچنین یکی از دوستان نزدیک احمد چلبی است و نقش مشاور عالی را برای دولت موقت عراق ایفا می‌کند. بر این اساس، سیر نظریات لوئیس را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد. در دوره نخست، وی معتقد بود که فقط باید با سیاست حاکم بر دنیای اسلام وارد گفتگو شد چون در غیر این صورت، هر راهبرد دیگری بی‌نتیجه خواهد بود. اما در دوره بعد و به ویژه در سال‌های اخیر، وی بر آن شد که باید در متن دنیای اسلام وارد شد و از آن‌جا سیاست‌های کشورهای اسلامی را با توجه به شناخت از اوضاع و باورها تغییر داد.

کتاب «اشتباه در چه بود؟ تأثیر غرب و واکنش خاورمیانه»، در چارچوب راهبرد دوم قابل بررسی است. در این چارچوب، نویسنده معتقد است که رها کردن دنیای اسلام در حالی که در مسیر مدرنیزاسیون قرار گرفته است بسیار خطرناک است. اسلام و مدرنیته هنوز نتوانسته‌اند در هم ادغام شوند و فضای کدر بین این دو می‌تواند موجب خشونت و تروریسم باشد. در کنار این نظریه، لوئیس به دخالت نیروی خارجی معتقد است و اعلام کرده که بدون حضور نیروی پیش‌برنده خارجی، هیچ تحولی در دنیای اسلام رخ نخواهد داد. به این معنا، آوردگاه عراق

آزمایشگاهی برای سنجش نظریات لوئیس هم هست و کتاب‌هایی همچون «اشتباه در چه بود؟ تأثیر غرب و واکنش خاورمیانه» را می‌توان نوعی زمینه‌سازی برای این دخالت‌ها به حساب آورد. در عین حال کتاب لوئیس به لحاظ درونی نیز قابل نقد است. بر این اساس، می‌توان بر مبنای تعریفی که *داوآرد سعید* از شرق‌شناسی ارایه کرده است؛ کتاب لوئیس را برآیند نوعی نگاه شرق‌شناسانه به خاورمیانه دانست. به این معنی که غرب برای حفظ چارچوب هویتی و تمایز برتری‌طلبانه خود، شرق را در سیمای «عرب مسلمان تروریست»، ابداع کرده است. همچنانکه پیش از این کمونیست‌های خشن روسی و یا چینی‌های مائویست، مضمون شرق را مشخص می‌کردند. بر این اساس، لوئیس در پی آن است تا تصور قدیمی غرب از مشرق زمین را که با افول اردوگاه مارکسیسم کم‌رنگ شده است؛ در قالب مسلمانان منفعل، بی‌رحم، عقب افتاده و بنیادگرا بازسازی کند. کتاب لوئیس به تدریج این تلقی را به خواننده مسلمان القا می‌کند که هر چه بر سر او می‌رود حق اوست و مقصر، تنها مسلمانان بوده‌اند و غربی‌ها مقصودی جز دلسوزی و کمک به ساکنین خاورمیانه نداشته‌اند.

برنارد لوئیس در این کتاب اگرچه سعی می‌کند با روشی محققانه معضلات مسلمانان را به آنها گوشزد کند؛ اما در نهایت با جانبداری ویژه از مواضع و رفتارهای غرب، کتاب را از یک اثر تحقیقی علمی و بی‌طرف دور می‌کند. وی مسلمانان را به داشتن نگرش تک‌بعدی محکوم می‌کند، غافل از این که خود نیز عمیقاً در این ورطه گرفتار آمده است. اگر به زعم نویسنده، مسلمانان تمام مشکلات خود را ناشی از بیرون می‌دانند؛ وی نیز تمام مشکلات ایشان را در درون آنان خلاصه می‌کند. واقعیت این است که اگر مسایل و معضلات منطقه خاورمیانه و کشورهای مسلمان آن ریشه‌های درونی دارد؛ اما تعدیات و هجوم دیگران، از جمله غرب نیز در این زمینه تأثیرات فراوانی بر جای گذاشته است. این نکته‌ای است که خود غربیان و یا حداقل صاحب‌نظران منصف غرب نیز به آن اذعان دارند. بنابراین اگر دیدگاه مسلمانانی که غرب را تنها عامل عقب‌ماندگی خود می‌دانند از وجه‌ای علمی برخوردار نیست؛ دیدگاه لوئیس نیز فاقد مبنای علمی است. به نظر می‌رسد که هم مسلمانان افراطی که علت تمام مشکلات خود را غرب می‌دانند و هم برنارد لوئیس به عنوان نماینده فکری کسانی که غرب را

در این زمینه بی‌تقصیر می‌دانند در یک غرض‌ورزی عمیق گرفتار آمده‌اند و هر یک تشدید کننده موضع دیگری است.

در ارتباط با بحث زنان، نویسنده مشکل تعداد خاصی از کشورهای منطقه را به همه آنها تعمیم داده است. در این امر شکی نیست که زنان به عنوان بخش قابل توجهی از منطقه خاورمیانه، همچنان دست به گریبان مشکلات بزرگی می‌باشند؛ اما نکته مهم آن است که آنها به شدت مشغول بازیابی شخصیت خود هستند. ضمن این که نمی‌توان نقش پاره‌ای از حکومت‌های منطقه را در این مورد نادیده گرفت.

برنارد لوئیس اگرچه تحقیقات بسیاری در مورد اسلام انجام داده اما در تحقیقات خود به کرامت و ارزش اسلام برای زن اشاره نکرده است. مشکل عمده این کتاب استفاده بسیار زیاد از منطقی تعمیم است. در مورد زنان نیز نویسنده وضعیت برخی از کشورهای منطقه را به کل منطقه تعمیم داده است.

برنارد لوئیس معتقد است که تربیت نسل‌ها در خاورمیانه توسط زنان بی‌سواد صورت می‌گیرد که فاقد اهمیت و جایگاه اجتماعی هستند؛ حال آن که آمار و ارقام در این زمینه حاکی از جنبش آرامی است که نه تنها در زمینه سوادآموزی، بلکه در زمینه تحصیلات عالی و مشاغل فکری و علمی توسط زنان در حال شکل‌گیری است. حضور گسترده زنان در دانشگاه‌ها در پاره‌ای از کشورهای منطقه گواهی بر این ادعاست.

برنارد لوئیس در پی آن است که همانند ساموئل هانتینگتون در کتاب «برخورد تمدنها» مسأله رویارویی اسلام و غرب را اجتناب‌ناپذیر جلوه داده و مباحثی همانند سکولاریسم و اعتقاد و یا عدم اعتقاد به آن را عامل این برخورد معرفی نماید. تنها تفاوت این دو در این است که هانتینگتون، رویارویی اسلام و غرب را ناشی از تفاوت فرهنگ‌ها می‌داند؛ حال آن که برنارد لوئیس معتقد است که رویارویی اسلام و غرب نتیجه واکنش روانی مسلمانان در مقابل غرب است. در پایان ذکر این نکته لازم است که بروز پاره‌ای حرکت‌های افراطی و تروریستی در مقابل غرب، تسلط حکومت‌های غیرمردمی و مشکلات عمیق فرهنگی منطقه خاورمیانه، بروز چنین واکنش‌ها و نگارش چنین آثاری را توجیه کرده است.



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي  
پرتال جامع علوم انسانی